

هدف از آفرینش جهان چیست؛ ما در این جهان چه جایگاهی داریم؟

هدف از آفرینش جهان چیست و خدا چرا این سیستم پیچیده را خلق کرده؟

همان‌طور که در درس‌های گذشته گفتیم، تمام موجودات جهان از گیاهان و حیوانات تا کوه و دریا و صحرا، بر اساس هدایت تکوینی و با یک برنامه‌ریزی دقیق و مهندسی‌شده، به‌سوی مقصدی مشخص و هدف‌مند در حرکت‌اند و هر کدام نقش و جایگاه ویژه‌ای در نظام هستی دارند. خاک و میکروارگانیسم‌های آن، بستری برای رویش گیاهان‌اند. کوه‌ها معدن کانی‌ها، فلزات و سنگ‌های قیمتی‌اند. بستر اقیانوس‌ها و دریاها محلی برای تشکیل نفت خام است و...

اگر با دقت به اجزای جهان نگاه کنیم، یک پروتون یا یک الکترون هم پیدا نمی‌کنیم، که بی‌کار یا بی‌فایده باشد؛ حتی موجوداتی که فکر می‌کنیم، بیهوده آفریده شده یا مضرند، همگی در چرخه‌های زیستی طبیعت مؤثرند و اگر حذف شوند به جریان حیات در کره زمین خدشه وارد می‌شود. تازه همه این‌ها، یک اپسیلون از نظم و هماهنگی پدیده‌ها بر روی زمین است. آسمان هم برای خودش دنیایی از عجایب است! بشر با وجود این همه پیشرفت علمی، هنوز نتوانسته به عمق آن راه پیدا کند و فلسفه وجود اجرام آسمانی و جایگاه آن‌ها در نظام هستی را بفهمد.

طبیعتاً این همه نظم و هماهنگی در پدیده‌ها، ذهن پرسش‌گر ما را با چند سؤال جدی مواجه می‌کند:

● هدف از آفرینش جهان چیست؟

● ما انسان‌ها چه جایگاهی در این سیستم پیچیده داریم؟

• آیا ما هم مثل گیاهان و حیوانات یک عضو ساده و معمولی در جهان هستیم؟ یا نسبتی بین ما و پدیده‌ها وجود دارد؟

در این درس می‌خواهیم درباره هدف از آفرینش جهان و جایگاه انسان در نظام هستی صحبت کنیم، اما قبل از آن لازم است نکته مهمی را درباره سوال اول یعنی «هدف از آفرینش جهان» توضیح دهیم.

### پاسخ به یک شبهه

وقتی می‌پرسیم؛ «هدف از آفرینش جهان چیست؟» ممکن است، دو معنا مدنظرمان باشد:

اول این‌که، شخص خدا با خلق جهان می‌خواسته به چه هدفی برسد؟

دوم این‌که، خدا با این کار می‌خواسته جهان را به چه هدفی برساند؟

اگر منظور ما از طرح این سؤال معنای اول باشد، اصل سؤال مان اشتباه است؛ چون در این‌صورت، خدا را با خودمان مقایسه کرده‌ایم و گمان می‌کنیم خدا هم مثل ما دنبال برآوردن اهداف شخصی است؛ در حالی‌که هدف در کارهای خدا با هدف در کارهای ما زمین تا آسمان تفاوت دارد.

ما انسان‌ها موجوداتی سراسر نیازیم و هر کاری که انجام می‌دهیم، برای برطرف کردن نیازها و نقص‌های مان است؛ مثلاً غذا می‌خوریم تا گرسنگی مان رفع شود، لباس می‌پوشیم تا از گرما و سرما در امان بمانیم، دنبال دانش می‌رویم، تا جهالت‌مان را برطرف کنیم و... اما خداوند کمال محض است و هیچ نقصی ندارد، که دنبال برطرف کردنش باشد.

خدا جهان را خلق کرده چون خالق است و خالق بودن عین ذات اوست. تصور خدایی که خالق نباشد، مانند تصور مربعی است که سه ضلع داشته باشد! مربعی که سه ضلع داشته باشد دیگر مربع نیست، خدا هم اگر صفت خالق بودن را نداشته باشد، دیگر خدا نیست؛ چون خدا به معنای موجودی است که همه کمالات و صفات عالی را دارد.

پس خداوند از خلق جهان هدف شخصی نداشته، بلکه جهان را برای هدف دیگری خلق کرده است، اما هدف از آفرینش جهان چه بوده؟

### جهان در خدمت انسان

پدیده‌های جهان هستی بی‌شمارند. همه هم در جای خود مهم و اثرگذارند، اما جایگاه انسان با همه مخلوقات دیگر فرق دارد. به طوری که اگر انسان را از نقشه جهان حذف کنیم همه چیز مفهوم اصلی‌اش را از دست می‌دهد.

انسان در یک نگاه کلی، جزئی از نظام آفرینش و مخلوقی از مخلوقات پروردگار است، اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، جایگاه او با بقیه مخلوقات کاملاً متفاوت است. انسان از چنان ارزش و مقامی برخوردار است، که خداوند همه آسمان‌ها و زمین را مُسَخَّرْ او گردانیده<sup>۱</sup> و هر آنچه در روی زمین است، برای او خلق کرده.<sup>۲</sup> پس هدف از آفرینش جهان، مقدمه‌سازی برای حضور انسان بوده و همه موجودات در خدمت انسان و برای رفع نیازهای او آفریده شده‌اند.

سوره جاثیه، آیه ۱۳<sup>۱</sup>  
سوره بقره، آیه ۲۹<sup>۲</sup>

خداوند به ما انسان‌ها توانایی‌های فوق‌العاده‌ای داده که یکی از آن‌ها قدرت تفکر و تعقل است. ما با استفاده از این قدرت می‌توانیم، تمام هستی را به خدمت بگیریم. می‌توانیم زیردریایی بسازیم و تا عمق چندهزاری متری دریاها و اقیانوس‌ها سفر کنیم. می‌توانیم سفینه فضایی بسازیم و از آن‌چه در کُرات دیگر می‌گذرد، سردر بیاوریم. می‌توانیم به درون اتم‌ها و مولکول‌ها راه پیدا کنیم و ساختارشان را مطابق میل مان تغییر دهیم. می‌توانیم باد را به خدمت بگیریم و از انرژی حاصل از آن برق تولید کنیم. همه این‌ها نشان‌دهنده جایگاه ویژه‌ای است که خداوند برای ما قائل شده است.

از سوی دیگر، رابطه بین ما و هستی تنها یک رابطه ساده از جنس حضور فیزیکی نیست، بلکه ابعاد وجود ما با پدیده‌های جهان تناسب و سنخیت دارد. خداوند هنگام خلق جهان از دریچه چشم ما به همه چیز نگریسته و اجزای جهان را متناسب با نیازهای ما طراحی کرده است؛ از طول موج نور و فرکانس صدا گرفته تا عناصر غذایی موجود در خوراکی‌ها، غلظت اکسیژن در هوا و هزاران پدیده دیگر. خداوند در خلق جهان گرایش‌های فطری ما را هم در نظر گرفته و مثلاً برای ارضای تمایل مان به زیبایی، میلیون‌ها گل زینتی با رنگ‌ها و عطرها مختلف خلق کرده است، یا برای ارضای تنوع‌طلبی مان در خوراکی‌ها، انواع و اقسام میوه‌ها را با طعم‌ها و رنگ‌های گوناگون در اختیارمان گذاشته است. به‌طور کلی، هیچ میلی در درون ما نیست که در عالم بیرون زوج و هم‌تای مناسب خودش را نداشته باشد و این موضوع هم در مورد امیال طبیعی و غریزی و هم در مورد امیال فطری صدق می‌کند.

حالا به نظر شما، این جهان با عظمت را در اختیار ما گذاشته‌اند که چه کنیم؟ هدف از آفرینش جهان تأمین نیازهای ما بوده، اما هدف از آفرینش ما چه بوده؟

## همه‌چیز برای تو، تو برای خدا

با دانستن نکات بالا، اولین سؤالی که هرکس از خودش می‌پرسد؛ این است که «اگر این جهان برای من خلق شده، پس من برای چه خلق شده‌ام؟ ابر و باد و مه و خورشید را در اختیار من گذاشته‌اند که چه کنم و به کجا برسم؟ آیا طبق نظر فلاسفه مدرن تنها وظیفه من این است که اجزای جهان را برای رسیدن به اهداف اقتصادی خود به خدمت بگیرم؟ یا آن‌طور که متفکران پست‌مدرن می‌گویند، کل رابطه من با جهان در لذت‌جویی و مصرف خلاصه می‌شود؟ وظیفه من در این جهان چیست و هدف نهایی خلقت من چه وقت محقق می‌شود؟»

پاسخ این سؤالات در درس‌های قبلی به‌طور کامل بیان شده و می‌دانیم که اکنون شما بهتر از ما می‌توانید به آن‌ها پاسخ دهید. با این حال، برای تکمیل بحث یک‌بار دیگر آن را با ذکر مثال مرور می‌کنیم.

هر خالق در خلق اثرش، به دنبال تحقق یک هدف اصلی و از پیش تعیین شده است؛ اما رسیدن به آن هدف ملزوماتی می‌طلبد که بدون وجود آن‌ها تحقق هدف ممکن نیست. به طور مثال، هدف اصلی از تأسیس یک مدرسه، فراهم کردن محیطی برای آموزش است. اما شخصی که مدرسه را تأسیس می‌کند فقط به ساختن کلاس‌های درس اکتفا نمی‌کند، بلکه مکان‌هایی را هم برای تفریح و ورزش، عرضه مواد خوراکی، سرویس بهداشتی، آب‌خوری و... در نظر می‌گیرد؛ چون می‌داند اگر نیازهای اولیه و اساسی دانش‌آموزان برطرف نشود، نمی‌توانند به‌خوبی درس بخوانند؛ در نتیجه، هدف اصلی مدرسه هم محقق نمی‌شود.

هدف اصلی خداوند از خلقت ما هم این بوده که مراتب کمال را طی کنیم و شبیه خودش شویم. اما برای این‌که این مسیر را به سلامت طی کنیم، لازم بوده نیازهای مادی و جسمانی‌مان برطرف شود و خداوند نیز این امکان را به شکل‌های مختلف در اختیار ما گذاشته است. در واقع رسیدگی به نیازهای ابعاد جمادی،

گیاهی، حیوانی و عقلی نه تنها بد نیست بلکه ضروری است، اما این‌ها هدف اصلی نیستند. هدف اصلی رشد فوق‌عقلی و تحصیل قلب سلیم است.

در این درس هدف از آفرینش جهان را دانستیم و با جایگاه خود در نظام خلقت آشنا شدیم، اما هنوز چیزهای زیادی هست که باید بدانیم. به نظر شما آن‌ها چیستند؟